

قرائت‌خانه ملی چالشتر

محمد حکیم‌آذر^۱

فریده حیدری گرم‌دره^۲

درآمد

پیشینه کتابخانه‌ها در ایران به دوران پیش از هخامنشیان می‌رسد. در زمان اشکانیان، سامانیان و پس از اسلام نیز همواره در ایران کتابخانه‌هایی وجود داشته است و از زمان‌های دور مردم ایران برای کتاب و کتاب‌خوانی ارزش بسزایی قائل بوده‌اند.

از آغاز سلطنت پهلوی و حتی قبل از آن کتابخانه‌های جدید علاوه بر کتابخانه‌های سنتی ایجاد شد. ۸۳ قبل، (سال ۱۳۰۷ هـ.ش) در حالی که ایران در آغاز توسعه و پیشرفت فرهنگی بود، در قریه «چالشتر» (واقع در استان چهارمحال و بختیاری) فردی دانش‌دوست به نام «شیخ محمد کاظم روحانی» قسمتی از خانه خود را به کتابخانه تبدیل کرد. وی در قسمت بیرونی خانه خود «قرائت‌خانه ملی چالشتر» را تأسیس نمود. بعدازظهرها تا هنگام شب اهل علم و ادب روستای چالشتر در این مکان گرد می‌آمدند و به مطالعه کتب، جراید، مجلات و بحث و تبادل نظر در خصوص مطالب مختلف می‌پرداختند.

مقدمه

«در آبان ماه ۱۳۰۴ سردار سپه (رضا خان) با عنوان فرمانده کل قوای ایران به طور موقتی به سلطنت رسید و چند ماه بعد، به تصویب یک مجلس مؤسسان فرمایشی، سلطنت ایران به او واگذار شد و به رغم

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (hakimazar@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

مخالفت‌هایی که در آخرین روزهای مجلس برای جلوگیری از تغییر سلطنت به عمل آمد، در اردیبهشت ۱۳۰۵ به عنوان پادشاه ایران تاج‌گذاری کرد^۱. از نظر سیاسی جامعه ایران در این دوره نسبت به دوره قبل ثبات بیشتری یافت؛ دلیل آن نیز این بود که سلطنت بر سه پایه: ارتش قدرتمند، بوروکراسی مدرن و پشتیبانی گسترده دربار مبتنی بود^۲.

هم‌زمان با تغییرات شگرف اجتماعی و سیاسی در دنیای آن روز ایران نیز با تغییرات بنیان‌های فرهنگی و آموزشی راه تازه‌ای را در خاورمیانه باز می‌کرد. آموزش و پرورش نوین و رویکرد روزافزون مردم و مبارزان سیاسی به روزنامه، تئاتر، سینما، موسیقی و سایر نهادهای مدرن باعث شد که ایرانیان از زندگانی سنتی خود کم‌کم فاصله بگیرند و تجربه‌های جدیدی را در زمینه‌های مختلف حیات خود به دست بیاورند. محرومیت اجتماعی و اقتصادی در دوران رضاشاه هنوز سایه‌سایه خود را بر بیشتر مناطق کشور گسترده بود و در این‌میان مناطق که با مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی (یعنی تهران) فاصله داشتند روند نوشدگی را کندتر حس می‌کردند. در منطقه چهارمحال و بخش شهرنشین و روستانشین آن به واسطه نزدیکی و تعاملات تجاری و فرهنگی با اصفهان، کاروان تجدد، هرچند دیرتر از مرکز، بار انداخت و مردم این دیار خصوصاً مناطقی که زندگی شهری و روستایی در آن‌ها پر رونق بود، با مظاهر تمدن جدید آشنا شدند.

چهارمحال^۳

گزارشی که در تواریخ عصر قاجار از منطقه مورد بحث ما ارائه شده، مبین این است که رونق کشاورزی و تجارت در این بخش از ولایت فراخ اصفهان بسیار زیاد بوده و این منطقه به عنوان شکارگاه و تفرجگاه درباریان همواره جایگاهی خاص داشته است. در کتاب تاریخ مسعود میرزا ظل‌السلطان آمده است: «چهارمحال بلوکی است سردسیر به قول مشهور، هند کوچک است. بسیار بلوک آباد و پر نعمت و جمعیت با مراتع سبز و خرم و چمن‌های خسیب و آب‌های زیاد، بهترین بلوکات اصفهان است بعد از لنجان. چهار ناحیه است به همین جهت چهارمحال می‌گویندش یعنی چهار محل است؛ محل اول میزدج - دویم لار - سوم کلار - چهارم گندمان»^۴.

مؤلف کتاب تاریخ اصفهان نیز در خصوص چهارمحال و بختیاری چنین می‌گوید: «بهترین نواحی است، تقریباً زاویه‌ای که مغرب و جنوب را ارتباط می‌دهد، خوانین بختیاری از نژاد جعفر قلی خان، بیشتر دهات را

۱. زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، تهران، سخن، ۱۳۷۸، ص ۸۶۶.
۲. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.
۳. آثار به دست آمده از تپه گورگای شهر کیان (واقع در پنج کیلومتری شهرکرد) و شباهت این آثار با نقوش و سفالینه‌های موجود در تپه سیلک کاشان، بیانگر برابری قدمت این منطقه است.
۴. ظل‌السلطان، مسعود میرزا، تاریخ مسعودی، تهران، یساوولی، «فرهنگسرا»، ۱۳۶۲، ص ۲۳۸.

مالک [شدند] و بناهای شگرف در هر دهکده ساختند و اواخر به قشلاق ایلی که سابقاً خیمه می‌افراشتند، کمتر پرداختند. هوای آنجا نوعاً سر حدی است و نیکو و لطیف، اما پاره‌ای محال که در زمین‌های پهناور و پست افتاده و کوه‌های اطراف، جلوگیری‌های بادهاست، هوایی خوب ندارد، رودخانه‌های بزرگ دارد^۱. در آن عصر یکی از مراکز عمده تجارت و شهرنشینی در منطقه چهارمحال، قلعه چالستر بوده است که با وجود گذشت سالیان زیاد از دوران رونق و مجد آن هنوز هم به عنوان یکی از مراکز تاریخی و فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری اهمیت خود را حفظ کرده است.

چالستر

چالستر در شش کیلومتری شمال غرب شهر کرد واقع است. «قلعه‌ای آجری که ۲۲ برج دارد و هر دهنه برجی را هشتاد ذرع فاصله با یکدیگر از بناهای مرحوم حاجی محمد رضا خان در آنجا ابنیه عالیه و عمارت‌های بسیار خوب است»^۲. بنا بر اقوال و روایات شفاهی، ریشه قومی مردم چالستر به حرّ ریاحی (ع) می‌رسد. این موضوع در تاریخ مسعودی هم ذکر شده، ولی در منابع قدیم‌تر و معتبر تاریخی ذکر از این موضوع نیامده است. مؤلف تاریخ مسعودی در این خصوص می‌گوید: «حاجی محمد رضا خان نامی [از اهالی چالستر] با اسنادی که در دست دارد و بسیار اسناد معتبری است، خود من هم ملاحظه کردم خود را به حضرت حرّ ریاحی - رحمه الله علیه - می‌رساند که مقام آن حضرت بالاتر و والاتر از آن است که این بنده بخواهم بنویسم. به روایتی اول شهید دشت کربلای معلی است - رحمه الله علیه -»^۳

انواع صنایع و هنرهای دستی در چالستر رواج دارد؛ از جمله منبت‌کاری، قالی‌بافی، گلیم و جاجیم‌بافی، صنایع فلزی و قفل‌سازی. از میان این صنایع، قالی‌بافی و قفل‌سازی چالستر شهرت بسیار دارد. گویند قفل معروف خانه خدا در شهر مکه، ساخته دست یکی از استادان قفل‌ساز چالستری است. این قفل هنوز هم بر در بیت الله الحرام منصوب است.

چالستر علما، ادبا و شاعران زیادی را در خود پرورده است؛ از جمله: «حاج مهدی خان آزاده که ایشان صاحب آثاری از جمله مسافرت نامه کوه‌رنگ، دیوان اشعار و منظومه لاله و ژاله می‌باشند»^۴. همچنین می‌توان از کسانی نظیر مرحوم عباس‌قلی حکیم‌آذر، مدیر و از بانیان اولین مدرسه دخترانه در شهر کرد و خوشنویس، شاعر و مهرساز اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی و نیز مرحوم دبیراجلال، مرتضی خان آزاده، محمودخان ستوده، اسماعیل فرهنگ، محمد زمان خان معروف به آقا محمد خان شهباز، آثم (حاج

۱. جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، تصحیح و تعلیق جمشید سروشیار (مظاهری)، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸، ص ۴۴۵ و ۴۴۶.

۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مرآة البلدان، ج ۴، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۹۳۳.

۳. ظل السلطان، تاریخ مسعودی، همان.

۴. مهدوی، مصلح الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، به سرمایه کتابفروشی تأیید، ۱۳۳۴، ص ۱۸.

ابوالفضل)، علیقلی خان شاهین، احمد خان ملقب به سالار مفخم، شارق، داعی، سائل، شعاع، صفار، طغرل، ارباب علی چالشتری، نصر، مشتاق، ابوالفتح خان، ابوالقاسم خان آزاده، عبدالرزاق برهانی، محمد دهبان، آسید محمد کاظم نوربخش، آخوند ملاهاشم و خاندان روحانی و منزوی نام برد.^۱

خاندان روحانی (منزوی)

یکی از خاندان‌های اهل فضل چالشتر از دیرباز، خاندان روحانی (منزوی) بوده‌اند. شیخ محمد کاظم روحانی، فرزند شیخ محمد باقر منزوی، از علمای مشهور چالشتر بوده است. سال تولد وی ۱۳۱۸ هـ ق و وفاتش ۱۳۵۳ هـ ق برابر با ۱۳۱۳ هـ ش است. در دوران کودکی در مکتب‌خانه پدری به کسب علم پرداخت. در نوجوانی و جوانی برای فراگیری علم و دانش بیشتر به اصفهان مهاجرت کرد و حدود بیست سال در حوزه علمیه در زمینه‌های مختلف فقه، اصول و... به تحصیل ادامه داد. از محضر اساتید و علمای بزرگ از جمله شیخ محمد خراسانی و حاج آقا رحیم ارباب علم آموخت. هنگامی که از اصفهان به زادگاه خود بازگشت، به برپایی نماز جماعت، ایراد سخنرانی در مساجد، جاری نمودن عقد نکاح و قضاوت میان اهالی روستا پرداخت. از جمله کارهای ارزشمند او، تأسیس قرائت‌خانه ملی بود که متأسفانه با مرگ وی این مرکز فرهنگی نیز برچیده شد.^۲

قرائت‌خانه ملی چالشتر^۳

در روزگاری که «شیخ محمد کاظم روحانی» پس از تحصیل در حوزه علمیه اصفهان به زادگاه خویش بازگشت، بسیاری از مردم به سبب بی‌سوادی در رنج به سر می‌بردند و برای انجام اموری ساده از قبیل خواندن یک نامه و پاسخ دادن به آن، همواره به دنبال یک واسطه بودند. از میان کودکان و نوجوانان نیز فقط افرادی که سطح مالی متوسط یا بالایی داشتند، قادر بودند در مکتب‌خانه‌ها به کسب علم و دانش بپردازند. کودکان و نوجوانان با سنین تقریبی بین هفت تا هجده سال وارد مکتب‌خانه می‌شدند و با پرداخت سالانه پنج قران یا یک بار گندم به تحصیل می‌پرداختند. در قریه چالشتر به دلیل علاقه مردم به علم و دانش، تعداد مکتب‌خانه‌ها نسبتاً زیاد بود؛ از جمله مکتب‌خانه‌های مرحوم شیخ محمد باقر منزوی (پدر مرحوم روحانی)، مرحوم سید محمد نقوی، مرحوم سید احمد نقوی، مرحوم میرزا احمد نصر و مرحوم محمد ابوالقاسم منزوی. در چنین شرایطی شیخ محمد کاظم روحانی - که فردی روشنفکر و دانش دوست بود - با

۱. ر.ک: نیکزاد امیر حسینی، کریم، شناخت سرزمین چهارمحال، ج ۲، اصفهان، نشاط، ۱۳۵۸، ص ۴۶۹ و مصاحبی نائینی، محمد علی (متخلص به عبرت)، تذکره مدینه الادب، ج ۲، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۸۴۵.

۲. مطالب مربوط به زندگی نامه آقای روحانی و قرائت‌خانه با کمک و همیاری جناب آقای «ابوالفتح اسحاقی» از اهالی محترم چالشتر و از بستگان مرحوم روحانی نقل گردیده است.

۳. منظور از قرائت‌خانه ملی، قرائت‌خانه‌ای است که در خدمت ملت و عموم مردم قرار گرفته است.

درک کمبودها و مشکلات جامعه خویش، اقدام به تأسیس قرائت‌خانه برای اهالی چالشتر نمود. در این راه افرادی ترقی‌خواه مانند «مرحوم آقا مهدی خان آزاده» نیز با وی همراهی نمودند.

در این مکان مجلات، روزنامه‌ها و کتب از جمله قرآن کریم، نصاب‌الصیبان فراهی، کتب تاریخ قدیمی مانند ناسخ‌التواریخ و علوم عربی، تدریس و مطالعه می‌شد. افراد با سواد و کسانی که به مسائل روز علاقه‌مند بودند، با خواندن جراید و مجلات موجود با مسائل جامعه بیشتر آشنا می‌شدند و در این خصوص به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. مجلات و روزنامه‌ها را افرادی که استطاعت مالی داشتند، از جمله آقای روحانی و برخی از خوانین خریداری می‌کردند و سپس در اختیار قرائت‌خانه قرار می‌دادند. حضور در این مکان برای عموم افراد آزاد بود، اما با توجه به تعصبات مردم در آن زمان، زنان از حضور در این محافل بی‌بهره بودند؛ بنابراین اعضای دائمی قرائت‌خانه مردان بودند. تاریخ دقیق افتتاح قرائت‌خانه ملی عمومی، دوم بهمن ماه ۱۳۰۷ هـ ش بوده است.

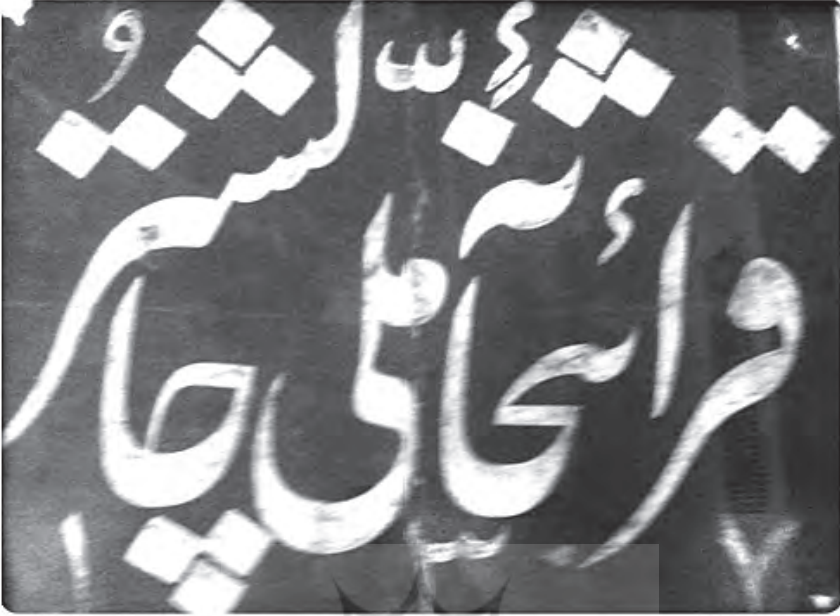
قرائت‌خانه در منزل بیرونی مرحوم شیخ محمد کاظم روحانی واقع بود. در یک اتاق نسبتاً کوچک، همه افراد دوستدار علم و دانش از جمله کسبه، زارعین و اقشار مرفه مانند خوانین و ارباب‌ها حاضر می‌شدند و در کنار یکدیگر بدون پرداخت هزینه، به طور یکسان، از امکانات موجود برخوردار می‌شدند. این افراد در مورد مسائل مختلف فرهنگی - اجتماعی و سیاسی نیز با یکدیگر تبادل نظر می‌کردند. زمان استفاده از این مکان طبق اعلان موجود، یک ربع ساعت بعد از ظهر تا غروب (به جز روزهای جمعه و اعیاد) تعیین گردید و در ماه مبارک رمضان شب‌ها نیز امکان استفاده وجود داشت.

شیخ محمدکاظم روحانی، در کنار رسیدگی به امور قرائت‌خانه، از ارتقای سطح علم و آگاهی مردم با سواد نیز غافل نبود. کتابخانه نسبتاً بزرگی در منزل ایشان بوده که کتاب‌های با ارزش آن را به صورت امانت در اختیار افرادی که تمایل به خواندن مطالب مختلف داشتند، قرار می‌داد. شش سال پس از تأسیس قرائت‌خانه، آقای روحانی در ۳۵ سالگی فوت کرد و پس از فوت ایشان، قرائت‌خانه نیز برچیده شد.

کتابخانه‌ای که حاج شیخ محمد کاظم روحانی در روستای چالشتر تأسیس کرد، غیر از آنکه مرکز تجمع برای اهالی فضل و ادب و علاقه‌مندان به روزنامه‌خوانی بود، پایگاهی برای انتقال تجربیات سخنوران و شاعران بزرگ منطقه چهارمحال - که گاه بدانجا سفر می‌کردند - نیز به شمار می‌آمد. این کتابخانه در دوره‌ای راه‌اندازی شد که کوچک‌ترین نشانه‌های توسعه و آبادی (به معنی مدرن آن) در چهارمحال و بختیاری هویدا نشده بود و از این جهت ارزش کار علمی - فرهنگی «مرحوم روحانی» و تأثیر مثبت آن بر اهالی این روستا و منطقه کاملاً مشهود است.

۱. متن اعلان عمومی: «چون بحمدالله به همت معارف‌پروران چالشتر یک باب قرائت‌خانه ملی عمومی در دوم بهمن ماه ۱۳۰۷ در چالشتر مفتوح شده و عجلتاً در منزل بیرونی این جانب از یک ربع ساعت بعد از ظهر تا غروب آفتاب رسماً تشکیل می‌گردد و در ماه مبارک رمضان شب‌ها هم علاوه خواهد شد؛ فقط ایام جمعه و اعیاد تعطیل خواهد گردید؛ بنابراین عموم اهالی می‌توانند در موقع افتتاح رسمی حاضر شده، از جرائد و مجلات و کتب مفیده تحصیل اطلاع نمایند.

اعلان
چون بجز الله بهمت معارف پروران پائستریا بقرآن
فی عسومی در دوم بهمن ماه ۱۳۰۷ در پائستر مفصوح شده
و عجالتاً در منزل بیرونی این جانب از یک ربع ساعت بعد
از ظهر تا غروب آفتاب رسماً تکبیل میگردد
و در ماه مبارک رمضان شب جمعه علاوه خواهد شد فقط
ایام جمعه و ایام تعطیل خواهد گردید بنا بر این عسوم
امالی می‌توانند در موقع افتتاح رسمی ^{شکوه کلاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} حاضر شده از
بسراند و مجلات و کتب مجتهد و تکبیل اطلاع نمایند
شیخ محمد کاظم رومی



عکس شماره ۱، تابلوی قرائت‌خانه چالستر است.



عکس شماره ۲، نفر سوم از سمت راست «شیخ محمد باقر منزوی» و نفر چهارم «شیخ محمد کاظم روحانی».